

وطنی که در سیم خاردار گرفتار شد



ابمان عظیمی خبرنگار

فلسطینیان به صورت پیوسته و ادامه دار با نکتیت موجودیتی به اسم اسرائیل در طول تمام این سال ها روبه رو شده اند و هویت شان با مبارزه و مقاومت گره خورده است. آنها در مقابل صهیونیست هایی که در تلاشی مذبحانه می کوشند تا روح جمعی این مردم را انکار کنند قرار گرفته اند و با ابزار رسانه و سینما سعی می کنند تا به حقیقت خود دامن بزنند و در نبود ابزار مادی برای تشکیل دولت، زیست شان به مثابه یک ملت را ادامه دهند. سینما ابزاری هویت ساز است و حتی این توان را دارد که به برپاخته شدن هویت های جدید کمک کند. با مرور سینمای فلسطین درمی یابیم که سینماگران این کشور برای احیای هویت جمعی خود دست به دامان مدیومی همچون سینما شده اند. سینمای فلسطین با وقوع جنگ ۱۹۴۸ و پیامد کوچ اجباری فلسطینیان از خانه و کاشانه شان بود که به خود رنگ گرفت و مفهومی همچون تبعید در آن نمایان شد، اما بد نیست اشاره کنیم که این دوره از سینمای فلسطین چندان

مورد پژوهش قرار نگرفته، زیرا مشکلات ریز و درشتی که در آن دوران پدید آمد توجه به دیگر مسائل را عملاً نامکن می ساخت، به همین دلیل بسیار روشن و واضح از این دوره به عنوان «سکوت سینمای فلسطین» یاد می کنند. در دوره نکتیت که از جنگ ۱۹۴۸ آغاز می شود و تا جنگ شش روزه اعراب با رژیم صهیونیستی ادامه پیدا می کند، مردم در کانون حوادث قرار ندارند و مساله فلسطین بیشتر با تاکید بر روی سوژه ناسیونالیسم عربی در جوامع بین المللی مطرح می شود. حتی در سینمای دیگر کشورهای عربی نیز آنچنان اشاره مهم و قابل ذکری به موضوع فلسطین نمی شود و در حصار این بی توجهی، صهیونیست ها قرائت خود از مفهوم ملت در جغرافیای فلسطین اشغالی را به جهان مخابره کردند و در معرفی سرزمین های اشغالی آنها را خالی از سکنه نشان دادند! درحقیقت این دوره بهار صهیونیست ها در طول سال های اشغالگری و اعمال زورشان به حساب می آید چون هم از قدرت سخت بسیار بالایی سود می بردند و هم با پشتوانه عظیم سرمایه های فکری و مالی که از دیگر نقاط دنیا به آنها منتقل می شد ارزش توجه به قدرت نرم را دریافته بودند و واقعیت جعلی خود را بر دیگری تحمیل می کردند. یکی

از مهم ترین پیامدهای شکست اعراب در جنگ شش روزه این بود که جریان برتری طلب عرب منطقه با برخورد به دیوار سخت واقعیت فهمید که در مقابله با اسرائیل نمی تواند کاری از پیش ببرد و دست از خیال پردازی - حداقل در رابطه با موضوع فلسطین - برداشت. دوره بعدی سینمای فلسطین با پایان جنگ شش روزه در ۱۹۶۷ رفته رفته سر و شکل پیدا کرد. فلسطینیان تصمیم گرفتند تا عنان کار را به دست بگیرند و مساله مقاومت را به تمام هست و نیست شان گره بزنند، زیرا دریا فته بودند که تنها اتکا بر هویت عربی نمی تواند آنها را در راه مبارزه با ابرشر اسرائیل تجهیز کند و عمق شکاف های هویتی شان را کاهش دهد. حتی سازمان آزادی بخش فلسطین نیز برای رسیدن به اهداف خود در راه مبارزه با اسرائیل به سینما نگاه ویژه ای پیدا می کند. اولین تشکیلات متمرکز سینمای فلسطین با تمام مشکلاتی که در راه پدید آمدن وجود داشت در اردن تاسیس شد و اولین تولیدات مهم سینمای مقاومت هم در قالب آثار مستند برای عموم به نمایش درآمد. استقبال به حدی نسبت به این فیلم ها زیاد بود که غیرفلسطینی ها هم نسبت به تماشای آنها علاقه نشان دادند

و توجهات زیادی را به سمت شان روانه کردند. اما این فیلم ها دست روی چه سوژه هایی می گذاشتند که اینچنین با اقبال مخاطب روبه رو می شد؟ فیلم های مستند فلسطینی در این دوره بیشتر تاکید خود را بر روی نشان دادن عملیات هایی که در مواجهه با دشمن غاصب در جریان بود به کار می بستند و به دور از متن در زمین حاصلخیز حاشیه ها نیز به زندگی سخت و طاقت فرسای مردم فلسطین در اردوگاه ها اشاره می کردند. اسرائیلی ها با مصرف مکرر خود از واقعه هولوکاست و پرونده جنگ بین الملل دوم که هنوز از نظر افکار عمومی مفتوح باقی مانده بود توانستند بر گرده ملت های تحت ظلم سوار شوند و با جعل تاریخ، حقیقت را به نفع خویش ریشه کن کنند. در همین راستا فضای عمومی سینما در جهان نیز به نفع صهیونیست ها شکل گرفته بود و کمپانی های تولید فیلم در هالیوود برای این قوم به اصطلاح برگزیده سنگ تمام می گذاشتند. اما سینمای فلسطین در کجای این داستان قرار داشت؟ سینمای نوپای فلسطین در ابتدای مسیر شکل گیری اش یک شبه شکوفا شده بود و در محافل سینمایی و فضاهای آنلاین فرهنگی برویایی داشت.



روزگار

شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۳
شماره ۴۱۰۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

سپتامبر سیاه و پویایی سینمای فلسطین

مهاجرت فلسطینیان به اردن در دو برهه زمانی ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ با شدت بیشتری پیگیری شد. آنها به اردن آمدند و حضور گسترده شان در کشور میزبان باعث درگیری های فراوانی میان جنبش فتح و ارتش اردن شد که در نهایت به اخراج اعضای این سازمان از اردن منجر شد. در واکنش به این واقعه بود که مصطفی ابوعلی فلسطینی فیلم «با جان و خون» را در مورد حمله ارتش اردن به ساکنان اردوگاه های فلسطینی در این کشور ساخت و در اختیار یاسر عرفات قرار داد تا او بتواند به واسطه مصونیت سیاسی اش این اثر را به خارج از مرزهای اردن رسانده و در

کنفرانس کشورهای عربی نمایش دهد تا نگاه ها را به موضوع حمله ارتش اردن به اردوگاه های فلسطینی معطوف سازد و به زعم آنها جنایت ارتش این کشور در مجامع بین المللی مورد محکومیت قرار بگیرد. دوران پس از جنگ شش روزه برای سینمای فلسطین را تماماً باید به نام سینمای مستند سند زد، زیرا تقریباً هیچ فیلم داستانی ای در این دوره زمانی در سینمای این کشور اشغالی ساخته نشد و تنها جریان اصیل و پویای سینمای مستند بود که می توانست با امکانات موجود به حیاتش ادامه دهد. مستندهایی نظیر کفر شوپا، تل زعتر و...

توانستند چهره بی توش فرزند شوم استعمار را در معرض دید جهانیان قرار دهند و از حقیقت فلسطین سخن بگویند. صهیونیست ها با صراحت و بدون لکت در مواجهه با وضعیتی که فلسطینیان به آن دچار بودند ابرازی می کردند که دیگر کشوری تحت نام فلسطین وجود ندارد! اما فیلمسازانی نظیر مصطفی ابوعلی نمی توانستند آرام بگیرند و دست به هر کاری زدن تا از ذهن مردم دنیا پاک نشوند. ابوعلی در فیلم «آنها دیگر وجود ندارد» با بهره گرفتن از موج نوی سینمای فرانسه به مبارزات مردم فلسطین و همچنین

زندگی آنها می پردازد. این اثر دو بخش داشت که بخش اول با تمرکز بر نمایش تصاویر زنان و کودکان شان در اردوگاه نبطیه و بخش دوم با تمرکز بر تصاویر حمله هوایی اسرائیل به همین اردوگاه تکمیل می شد. مصطفی ابوعلی با استفاده از جملات مقام های اسرائیلی نظیر گلدمایر در میان نویس های فیلم که موجودیت مردم فلسطین را منکر می شوند فرمی دگرگونه و نامتعارف به اثرش می بخشید و موفق می شود که فیلمی دیرپاب اما ماندنی را در ذهن منتقدان سینمایی حک کند.

سینمای داستانی از راه می رسد

سینمای مستند دیگر نمی توانست به نیازهای مردم فلسطین چیزی اضافه کند و پاسخگویی خواهش های فراوان فرهنگی آنها باشد. از طرف دیگر در اواخر دهه ۸۰ میلادی انتفاضه اول اتفاق افتاد که نقطه عطف مهمی در تغییر شکل مبارزه به حساب می آمد و دیگر نمی شد که رویه فیلمسازی همچون سابق به حیات خود ادامه دهد و سینمای داستانی هم باید نقشی در این میان ایفا می کرد تا به واقعیت از زاویه دیگری هم نور تابیده شود. در این دوران بود که سینماگران فلسطینی توانستند با امکانات بسیار محدود به ساخت فیلم هایی با موضوع مقاومت و زندگی زیر سیطره سنگین رژیم غاصب مشغول شوند. سینمای داستانی در فلسطین با حضور دوباره میشل خلیفی به اراضی اشغالی، رنگ و بو گرفت و به نوعی حتی آغاز شد. «عروسی در جلیله» اولین حرکت مهم فیلمسازان فلسطینی در راستای تحکیم سینمای روایی بود. درحقیقت این میشل خلیفی بود که زمین ناهموار

سینمای داستانی در این کشور را هموار کرد و به دیگران جرات ساخت در این حوزه را داد که از جمله آنها می توان به ایلیا سلیمان، رشید مشهوری و هانی ابواسعد اشاره کرد. عمده فیلم های مستندی که در رابطه با موضوع فلسطین در دوره های گذشته ساخته می شد جنبه اطلاع رسانی صریح و بارزی درخصوص وضعیت مردمان آوره این کشور داشت اما با هجوم تلویزیون به خانه ها، دیگر تولید مستند توجیه خاصی نداشت و اخبار فلسطین همه روزه به اقصی نقاط جهان مخابره می شد. به عبارت دیگر ضرورت پیگیری فیلم های داستانی در این دوره بود که بیش از پیش احساس شد و افکار عمومی را تشنه تماشای فیلم هایی از سینمای فلسطین کرد. کسانی که سینمای داستانی فلسطین را متحول ساختند در مقایسه با اسلاف مستندساز خود طور دیگری به زندگی نگاه می کردند، زیرا واقعیت زیست در دنیای پست مدرن کنونی با دوران اشغالگری متفاوت بود. نسل جدید با

استفاده از تجربیات متفاوتش از زندگی در تبعید، سعی داشت به استیلا صهیونیست ها بر زندگی خود به گونه دیگری نگاه بیندازد و از تجربیاتش در قامت یک سرمایه معنوی جدید برای ساخت فیلم های متفاوت داستانی بهره بگیرد. فیلمسازان نسل جدید سینمای فلسطین تلاش کردند تا از هویت جمعی خود در برابر هجوم بیگانه دفاع کنند و به همین خاطر نوع مواجهه شان با مساله فلسطین از اساس با پیشینیان خود متفاوت بود. در این دوره از اشغالگری سطح مبارزه به مرزهای فرهنگی میان فلسطینیان و رژیم غاصب کشیده شده بود و سینماگران جدید برای آنکه از قافله عقب نمانند و کشور خود را زیر هجوم فرهنگی اشغالگران تنها نگذارند به تنگنای بی عملی که مردم به آن دچار شده بودند اشاره کردند و به مفاهیم فرهنگی در حال فراموشی نقب زدند. هانی ابواسعد با ساخت فیلم عمر در سال ۲۰۱۳ مفهوم عشق و خانواده

را در قالب هسته اصلی مقاومت معرفی مطرح کرد و حتی آکادمی اسکار را با راه دادن این فیلم به جمع آثار برگزیده بخش خارجی زبان اسکار به جدی گرفتن خود فراخواند. سینماگران فلسطینی با تاکید بر مقاومت فرهنگی توانستند هویت شان را از زیر حمله بی دری رژیم غاصب خارج کنند و با ارائه تصاویر هنرمندانه از مظلومیت خود پرده بردارند. درواقع سینماگران در این خطه از دنیای عرب دریافتند که مبارزه تنها با قدرت سخت نمی تواند به مسیر پر از سنگلاخ خود ادامه دهد و این قدرت نرم است که نگاه جهانیان را به موضوع مهمی همچون فلسطین جلب خواهد کرد. موفقیت های سینمای فلسطین در جشن ها، جشنواره ها و... تاکنون برای کشورهای دیگر عربی تکرار نشده است، با این تفاوت که در بعضی از این کشورها همچون مصر و سوریه سنت فیلمسازی ریشه داتری وجود دارد. ولی این فلسطین بوده است که در یک توفیق اجباری به موفقیتی یابانزد دست پیدا کرده است.

چارسو

«ماتریکس ۵» با یک تغییر بزرگ ساخته می شود

قسمت جدید از سری فیلم های علمی - تخیلی «ماتریکس» برای نخستین بار بدون حضور وچوفسکی ها در مقام کارگردان ساخته می شود. به گزارش ایسنا، استودیو برادران وارنر اعلام کرد پنجمین فیلم ماتریکس در حال ساخت است و این اولین قسمت بدون حضور لانا لیلی و وچوفسکی به عنوان کارگردان خواهد بود؛ در عوض درو گدارد، فیلمنامه نویس «مریخی» و طایف فیلمسازی را بر عهده خواهد داشت. لانا و وچوفسکی که کارگردانی آخرین قسمت ماتریکس یعنی «رستاخیزها» در سال ۲۰۲۱ را بر عهده داشت، به عنوان تهیه کننده اجرایی حضور دارد. به گزارش ورایتی، هنوز مشخص نیست «کیانو ریوز» «کری آن ماس» که در تمام فیلم های قبلی در نقش های نو و تربیتی مقابل دوربین رفتند، در قسمت پنجم حاضر خواهند بود یا خیر. جزئیات داستان «ماتریکس ۵» فاش نشده اما «جسی ارمن» رئیس تولید موشن پیکچرز برادران وارنر اذعان می کند که داستان، دنیای فانتزی این فیلم بدون فاصله گرفتن از چیزی که باعث موفقیت این مجموعه فیلم شده است، پیش خواهد برد. «درو گدارد» که کارگردانی ماتریکس ۵ را برعهده خواهد داشت، برای نوشتن فیلمنامه «مریخی»، اقتباس علمی - تخیلی به کارگردانی ریڈلی اسکات و بازی مت دیومن، نامزد دریافت جایزه اسکار شد. از دیگر فیلم های بلند او می توان به نگارش فیلمنامه «کلوفیلد» و «جنگ جهانی زد» و نویسندگی و کارگردانی فیلم های «کلبه ای در جنگل» و «زمان های بد در آل روپال» اشاره

رژیم صهیونیستی روی تمام سفاکان تاریخ را سفید کرد

به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد مهدی اسماعیلی در حاشیه برگزاری راهپیمایی روز قدس در جمع خبرنگاران گفت: «رژیم صهیونیستی با کودک کشی خود روی تمام سفاکان تاریخ را سفید کرده است.» وی افزود: «اسال با توجه به اتفاقات اخیر غزه و جنایت هایی که رژیم صهیونیستی در طول بیش از ۶ ماه انجام داده و کودک کشی بی نظیری که رخ داده، این رژیم روی سفاکان تاریخ را سفید کرده است.» اسماعیلی ادامه داد: «افکار عمومی در جهان ملتهب و هر کدام به نوعی نگران این بحث هستند.» وی همچنین تصریح کرد: «امروز با اتفاقی که افتاده و شهدای عزیز که در حال تشییع هستند همگی باعث شده یک ابراز انزجار ملی، یک وحدت و انسجام ملی شکل بگیرد.» وی گفت: «شاهد هستید که مردم ما همه سلاقی سیاسی، گروهی و همه تفاوت های متعارفی که در یک کشور آزاد، پیشرفته و مستقل مانند ایران وجود دارد، پای آرمان بزرگ حمایت از مظلوم و فلسطین ایستاده اند و به میدان آمده اند.» وزیر فرهنگ با اشاره به حضور پرشور مردم در راهپیمایی روز قدس تصریح کرد: «این حضور پرشور در آغاز سال جدید حرکتی نویدبخش برای انسجام بیشتر در داخل کشور به شمار می رود، موجب امید آفرینی می شود و اشتیاق عمومی را برای مشارکت تاثیرگذار در پیشبرد اهداف میدانی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی فراهم می کند.» عضو



شورای عالی انقلاب فرهنگی در پایان با بیان اینکه برای نخستین بار است که این گونه رژیم صهیونیستی را در فضای رسانه ای شکست خورده می بینیم، تاکید کرد: «فضای رسانه ای در دنیا بر اثر روشنگری خبرنگاران و رسانه های مستقل، مقاومت و رسانه های عزیز کشورمان کاملاً به نفع جریان مقاومت و غرّه تمایل پیدا کرده و خود را در اجتماعات چند صد هزار نفری در فضاهای فرهنگی و هنری و ورزشی نشان می دهد و این جای تقدیر از همکاران رسانه ای در داخل کشور هم دارد که در این مدت با هم و در کنار هم برای موضوع غزه در میدان بودند.»